ZENDEGI - SALAM
ضمیمه روزانه روزنامه خراسان
پنج شنبه • ۸ تیر ۱۳۹۶
۴ شوال ۱۴۳۸ • ۲۹ ژوئن ۲۰۱۷
۷۹۳

نقدی به افزایش استفاده از شوخی های نامناسب در خندوانه

اینجا خانواده نشسته ها

سید مصطفی صابری - همه خانواده دور تلویزیون نشسته اند تا در ساعات پایانی شب برنامه محبوبشان یعنی «خندوانه» را ببینند. برنامه ای که در این برهوت محتوای خلاقانه و شیرین در تلویزیون، توانست با سلیقه بیشتر اقشار جامعه و همه اعضای خانواده ها جور دربیاید و سهم زیادی در نشاط جامعه داشته باشد. پدر و مادری که با فرزندانشان این برنامه را می بینند خوشحال اند که پسر و دختر نوجوانشان شاد می شوند بدون این که اسیر محتوای نامناسبی باشند که این روزها شبکه های اجتماعی درگیر آن است. اما در روند فعلی خندوانه که با سری اول «خنداننده شو» و حضور کمدین های تازه کار کلید خورد خنداندن مخاطب به هدف اصلی برنامه تبدیل شده است؛ خنداندنی که متاسفانه خیلی وقت ها نه تنها پشت آن فکر درست و حسابی نیست بلکه محتوایش فرقی با شوخی های نامناسب شبکه های اجتماعی ندارد. روندی که متاسفانه در برنامه سه شنبه شب به اوج خودش رسید. پسر یا دختر ۱۰، ۱۱ ساله ای را تصور کنید که همراه خانواده در حال تماشای اجرای زینب موسوی است و صدای خنده های حاضران در استودیو را می شنود اما نمی داند آن ها به چه چیزی می خندند. پدر و مادر چه توضیحی باید برای او داشته باشند؟ «خندوانه» اتفاق مهمی در تلویزیون ماست، مردم را با رسانه ملی آشتی داد، با شخصیت هایی مثل نیما در فصل اول و جناب خان در فصل دوم و سوم و ایده های جالبی مثل «خنداننده برتر» و «ادا بازی» هر بار به نوعی به اوج رسید اما آیا این روزها برای فرار از یکنواختی می خواهد خط قرمزهای یک برنامه پرمخاطب را که کوچک و بزرگ بیننده اش هستند بشکند؟ تاثیر چنین شوخی های عریانی بر جامعه چیست و واکنش مردم به خندوانه سه شنبه شب چگونه بوده؟ پرونده امروز ما را بخوانید.

گپی با رضا رفیع سردبیر سابق «گل آقا» و همه کاره برنامه «قند پهلو» درباره طنز و طنازی

طنز، بیش از تبسم، با تفکر سر و کار دارد

رضا رفیع آخرین سردبیر هفته نامه «گل آقا» بود، رسانه ای که در روزهای دهه شصت و هفتاد خنده بر لبان مردم می نشاند آن هم با بیان طنازانه مشکلات کشور. رضا رفیع بعدها با برنامه «قند پهلو» بین مردم چهره شناخته تری شد. شوخی های «خنداننده شو» بهانه ای شد برای این که از او بپرسیم مرز شوخی تا کجاست و قواعد یک طنز گل آقایی چیست؟ با ما همراه شوید...

■ چرا طنزها در این روزها این قدر سطحی و اینترنتی شده است؟

علمای علم کلام و فلسفه می گویند: "قبول الشیء قبول لوازمه"؛ یعنی وقتی یک چیزی را می پذیرید، اقتضائات ناگزیر آن را هم باید پذیرا باشید. از لوازم اینترنت و فضای مجازی، سرعت است. در مطبوعات و کار روزانه روزنامه هم این عامل وجود دارد، اما با این تفاوت که با عنصر "دقت" هم درآمیخته است؛ چون در نهایت، زیر نظر جمعی کارکشته و کاربلد شکل نهایی به خود می گیرد. در اینترنت اما این فضا حاکم نیست. هر کسی فضایی در اینترنت در اختیار دارد و هرچه دل تنگش بخواهد، می نویسد و از هیچ کانال نظارتی خاصی هم عبور نمی کند که به طرف بگوید اینجاش یا فلان جاش مشکل دارد و منطبق بر اصول طنزنویسی نیست؛ و اصلا طنز نیست. بدین خاطر است که اگر علم و احاطه نباشد، دانش و آگاهی لازم وجود نداشته باشد؛ مطالب به سمت ناپختگی و سطحی گری پیش می رود. البته از عنصر شتابزدگی و عجله نیز نباید غافل بود. متاسفانه نسل امروز، کمی بی حوصله و کم تحمل شده. حوصله مطالعه آن چنانی ندارد. دنبال مطالب فست فودی است. گاهی شده که می آیند در زیر مطالب خود من در اینستاگرام می نویسند که آقای رفیع، خلاصه بنویسید!

■ آیا به خنداندن مردم به هر قیمتی می شود گفت طنزپردازی؟

طنز بر خلاف لطیفه و جوک، فقط دنبال خنداندن نیست. مگر شهر هرت است؟! طنز، بیش از تبسم، با تفکر سر و کار دارد. تازه، در وجه تبسم زایی اش هم به یک لبخند قانع است. به زور نمی خواهد خنده بگیرد. چون لبخند از سر تفکر جاری می شود؛ نه تحکم. با اجبار نمی شود طرف را به سمت خندیدن هل داد. شاید یک دوست جوان بگوید که نخیر، می شود. ما کردیم شد. بله، اما این یک خنده سطحی است. یک تمرین و ورزش برای خالی شدن انرژی های منفی و باز شدن چاکراهای منتهی به بزرگراه های روح و روان که بعضا دچار ترافیک سنگین اضطراب ها و استرس های مخرب است. اما این خنده چون زورکی و فشارکی است، دوام چندانی ندارد. با یک عطسه می پرد. گاهی نیز به موضع گیری منفی مخاطب منجر می شود و جبهه می گیرد. شما تصور کنید که درگیر هزار و یک گرفتاری و مشکل هستید، آن وقت یک نفر هی به زور به شما بگوید بخند.... عاشقانه..... بخند..... عاقلانه..... بخند هندوانه!..... خب شما عصبی می شوید. پشت چشمی نازک می کنید و غرزنان می گویید: شکمت سیره که این طور الکی می خندی!.... چرا؟.... چون هیچ رد پایی از وضعیت و موقعیت بغرنج خود را در خنده های او نمی بینید. طنز را اعتقادی به گرفتن خنده به هر قیمتی نیست. اصول و مبانی مشخصی دارد که ارزش های طنز به شمار می روند. مثل رعایت ادب، انصاف، وجدان، اخلاق، حق گویی، دوری از هتک حرمت و توهین و..... امثال این ارزش های انسانی و بشری که فقط مختص ما هم نیست؛ اما در دین ما مورد تاکید دوچندان قرار گرفته است. در یکی از همین برنامه های تولید خنده به هر قیمت نازل، طرف داشت در قالب خاطره گویی، از زشت بودن چهره مادرش می گفت و همه حاضران می خندیدند و قبل از آن ها خودش!..... خب من خیلی ناراحت شدم و اعصابم به هم ریخت. مادر، عشق است. نباید نازک تر از گل گفت. وگرنه سهراب نمی گفت: مادری دارم بهتر از برگ درخت!.....

■ خط قرمزهای طنز گل آقایی و طنز فاخر چیست؟

در پاسخ به پرسش پیشین، تا حدودی به این نکته اشاره کردم. طنز گل آقا صرفا سمبل یک طنز فاخر است که سلامت است و بدآموزی ندارد. وگرنه کلی تر می شود صحبت کرد و اساسا درباره طنز فاخر سخن گفت که خب حالا طنز گل آقایی هم یکی از نمونه هاش. نمونه های آزمایش شده اش!.... خط قرمزها عموما تحمیلی و دستوری نیست. چندتایی که به سیاست، امنیت ملی و مصالح کشوری مربوط است، ممکن است بخشنامه ای باشد و در همه کشورها هم هست؛ اما آن چیزهایی که فخامت طنز و ارزشمندی آن را سبب می شود، خط قرمزهای ادبی و اخلاقی و انسانی است. وجدان شما می گوید که در طنزت توهین نکن؛ تهمت نزن؛ فحش نده؛ آبرو نبر؛ و.....

■ آیا به شوخی هایی که به تازگی در خندوانه و مخصوصا در بخش خنداننده شو اتفاق می افتد؛ می توان نمره قبولی داد؟

ببینید؛ برای امتیاز دادن به یک برنامه یا بخشی از آن، نباید از عنصر مخاطب و هدف گیری برنامه، غفلت کرد. مخاطب این برنامه، بیشتر عموم مردم هستند و در این قد و قواره هم خوش درخشیده است. این یک نگاه منفی و نازل هم نیست؛ بلکه یک نگاه و نگرش تخصصی به موضوع است. در این حیطه و حوزه و در جلب مخاطب موفق بوده. هرچند که کم کم دیگر دارد معمولی و یکنواخت می شود و حتی من با اجراهایی در قالب استندآپ کمدی مواجه شدم که خیلی بی مزه یا سطح پایین بوده است. زمانی عروسک جناب خان از راه رسید و برنامه خوب خندوانه را از افتادن در دام کسالت و یکنواختی نجات داد و اگر دقت کنید، شخصیت جناب خان و دیالوگ های او به طنز نزدیک بود. شخصیت "محمد بحرانی" یک شخصیت ادبی و فرهنگی و طنزشناس و شعر بلد است. این ها را به خود او هم گفتم و خیلی دوستش دارم. طنز پخته و حساب شده، نجات دهنده هر برنامه فکاهه و کمدی و طنز است. رامبد جوان واقعا زحمت زیادی کشیده و می کشد و تلاش او ارزنده است. انرژی اجرای زنده او در کمتر کسی هست. خودم هم با افتخار مهمانش شدم. البته در دوره ای که تهیه کننده اش کاربلدتر به لحاظ آشنایی اش با طنز بود. من هنوز هم حامی حرکت خوب رامبد هستم و از سختی کارش اطلاع دارم. اما در بخش های جدیدی مثل خنداننده شو که استعدادهایی جدید و جوان وارد یک گود مفت رسانه ای می شوند؛ خیلی باید مراقب سلامت طنز بود که به هر قیمتی نخواهند داور و مخاطب را بخندانند. داورها هم نباید به هر قیمتی بخندند و امتیاز دهند. چرا که بدآموزی دارد و بقیه خیال می کنند طنز درست یعنی همین!.... طنز و کمدی با لودگی و مسخرگی فرق و فاصله دارد.

مرور سربسته برخی از شوخی‌های جنسی «خنداننده‌شو»یی ها

مسابقه «خنداننده شو» در حالی به مرحله دوم رسیده است که به نظر می رسد میزان شوخی های نامناسب آن، بیش از گذشته به چشم می آید. در مرحله اول، «حسین شاهرخ نیا» که با فیزیک خاص بدنی اش شوخی می کرد، در قسمتی از اجرایش درباره این که پدرش در زمان تولد او فکر کرده دختر است، شوخی عجیبی کرد. «مجید افشاری» هم با موضوع رابطه های نامناسب دختر و پسرها و واکنش کلانتری ها شوخی کرد و مستقیم و غیر مستقیم چند خط قرمز را رد کرد. در لابه لای شوخی های سری اول چند مورد دیگر هم بود که البته آن قدر حجم شان بالا نبود که احساس شود به روند برنامه تبدیل شده است. اما شوخی ها در مرحله دوم آن قدر واضح است که جایی برای دفاع نمی گذارد. به طور مثال، «حسین شاهرخ نیا» در این مرحله با نشان دادن عکس زن قاجار به عنوان مادربزرگش و دادن نسبت «زیبا، جادار و مطمئن» به او، شوخی نامناسبی کرد. یکی دیگر از شرکت کنندگان هم «فرهان معین زاده» بود که بعد از توضیحاتی درباره سرویس بهداشتی به جای کلمه «نروید»، از معادل ابهام داری استفاده کرد! سیده زینب موسوی که قبل از حضور در خندوانه به خاطر کانال تلگرامی اش معروف و البته مورد انتقاد خیلی ها بود در این مرحله به کمتر خط قرمزی پایبند بود. او با ریشه کلمه برجام و تولد بچه ها شوخی نامناسبی انجام داد و بعد از شوخی با چند نام و نام خانوادگی و حتی اشاره به ماجرای قدیمی دو بازیکن فوتبال، در تکمیل شوخی های نامناسب خود از علت انتخاب نام خانوادگی «سوشا مکانی» پرسید! بهزاد قدیانلو هم که یکی دیگر از شرکت کنندگان این برنامه بود، چندین بار از کلمات ابهام برانگیز به جای «تخم مرغ» استفاده کرد و بازیکن مورد علاقه گوسفندها را هم «بععرانوند» معرفی کرد. نکته جالب درباره این دست شوخی ها این بود که «شقایق دهقان» بعد از اجرای بهزاد قدیانلو، گفت: «راستش متوجه بعضی از این شوخی هاتون نمی شدم. چندین بار در وسط اجراها به آقای خطیبی هم نگاه می کردم، ایشون هم در حال تفکر بود! گاهی باید چند دقیقه به یک کلمه یا جمله فکر می کردم تا متوجه می شدم ولی برام جالب بود که بعضی ها سریع موضوع رو می گیرن و می خندن!»

یادداشت شفاهی مجید خسروانجم، کاریکاتوریست و برنامه ساز

طرفدار خندوانه‌ام اما ...

مجید خسروانجم کاریکاتوریست خوش ذوقی است که در اینستاگرام هم طرفداران زیادی دارد و مردم طنز موجود در کارهایش را دوست دارند، نظر او را درباره شوخی های اخیر «خنداننده شو» جویا شدیم، خسرو انجم معتقد است: «طنز و کمدی باید نجیب باشد. این که یک نفر فعلی را به شکل محاوره بیان کند تا معنای دیگری از آن برداشت بشود که طنز نیست. من برنامه سه شنبه شب خندوانه را در کنار پسر نوجوانم دیدم. وقتی پسرم از من پرسید مردم چرا به «اقدام مشترک» خندیدند نمی‌دانستم در جوابش چه بگویم؟ ببینید یک وقت شما برای مثال می‌خواهی سریالی مثل «فرندز» را ببینی؛ خب فضای این سریال را می‌شناسی و تنها تماشایش می‌کنی. این فرق دارد با وقتی که یک برنامه تلویزیونی را درکنار خانواده آن‌هم با پیش‌فرض آسایش و آسودگی می‌بینی. من به چارچوب ساختن و خط قرمز اضافه‌کردن معتقد نیستم؛ مثلا بعضی از دوستان به شوخی‌ها و کنایه‌های سیاسی ایراد می‌گیرند که من موافقش نیستم اما یک‌سری خط‌قرمزهای مشخص و توجیه‌شده وجود دارد. شوخی با نقاط تاریک فهم مخاطب را که به بحث‌های نگفتنی تنه بزند در برنامه‌های دیگر هم داشتیم و داریم اما هیچ‌کدام به‌اندازه خندوانه صدا نکرده‌است؛ خب این یعنی خندوانه بیننده زیادی دارد. من خودم طرفدار واقعی خندوانه هستم؛ کارش انصافا مأجور است چون می‌خواهد حال دل مردم را خوب کند؛ ولی به‌طور کلی باید بدانیم که طنز مرز خیلی باریکی دارد، یک ذره افسارش را رها کنی می‌شود هتاکی؛ مخاطب به‌جای این‌که بخندد با بهت نگاهت می‌کند. در برنامه اخیر هم اگر آن شوخی‌های نامناسب از مخاطب خنده می‌گرفت باز جای دفاع داشت، اما این اتفاق نیفتاد. با این‌همه به‌نظرم خیلی نمی‌شود به عوامل برنامه خرده گرفت. من سال‌ها تجربه برنامه‌سازی داشتم. گاهی اوقات برنامه‌ساز آن‌قدر درگیر ساخت برنامه است که چیزی که به‌نظر مخاطب بدیهی است خیلی به چشمش نمی‌آید. خلاصه که در این مرز باریک، خطر لغزیدن برای همه وجود دارد؛ منی را هم که کار طنز و کاریکاتور انجام می‌دهم، تهدید می‌کند. خلاصه که نباید یک‌طرفه به قاضی برویم. من تاحدی بچه‌های خندوانه را می‌شناسم. شهادت می‌دهم که همه‌شان دغدغه دین، اخلاق، حال خوب و جامعه مهربان را دارند. این اتفاق نباید باعث شود کلا برنامه را از بیخ‌وبن بزنیم یا خدا نکرده اتفاقی نیفتد که ضربه‌ای به خندوانه بخورد یا زحماتشان نادیده گرفته‌شود.

چرا پای شوخی‌های نامتعارف به خندوانه باز شد؟

به شکل نمایشی طنز کمدی گفته می شود، هر چند آنچه در خیلی از اجراهای کمدین های تازه کار خندوانه می بینیم چیزی بیشتر از بیان یک متن طنز نیست و جلوه های نمایشی جذابی به آن اضافه نمی شود و محدود به این است که یک نفر متن طنزی را پشت سرهم و از حفظ بخواند؛ اما مشکل اصلی این روزهای «خندوانه» تکنیک کار نیست، به هر حال آن قدر جای برنامه خلاقانه و جذاب که همه اقشار و نسل ها را جذب کند در تلویزیون ما خالی است که اگر اجرای کار هم ضعیف باشد یک متن خوب می تواند کلی بیننده جذب کند. خندوانه که بعد از چهار سال موفقیت پی در پی، هر از گاهی با افت مواجه می شد همیشه ایده تازه ای در آستین داشت تا از یکنواختی خارج شود و دوباره مخاطب را به تماشای برنامه ترغیب کند. «خنداننده شو» با حضور کمدین های جوان و تازه کار یکی از آن ایده ها بود که بنا بود خندوانه را از یکنواختی بعد از غیبت جناب خان نجات بدهد و تا الان حداقل از بابت خنداندن مخاطب موفق هم بوده، اما محتوایش با واکنش های مختلفی از سوی مخاطبان مواجه شده است. خیلی خوش بینانه و تا حدودی ساده لوحانه است اگر تصور کنیم گروه خندوانه بدون سیاست گذاری قبلی، از محتوای شوخی های کمدین های تازه خود بی خبر بوده است. تایید نسبی داورها و به خصوص خنده های بلند رامبد جوان گویای همین امر است که این عبور از خط قرمزها آن هم پیش چشم مخاطبی فراگیر از همه سنین و اقشار با فکر قبلی انجام گرفته است و ریشه این ماجرا را باید در دو چیز دانست: اول این که شوخی های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای طنزپردازان پرهزینه است و دشوار، برای همین در یک مسابقه که خنداندن بدون محتوا را ملاک خود قرار داده، راحت ترین کار این است که شوخی های رایج و بعضاً سخیف شبکه های اجتماعی را با اندکی تغییر و طوری که مخاطب بفهمد اشاره ماجرا به چیست ارائه کنی تا رای بیشتری جمع کنی! ریشه دوم ماجرا این است که بلد نیستیم با روندها، مشکلات و ناکارآمدی ها شوخی کنیم، برای همین یا سوژه جدید، به روز و نزدیک به دغدغه و مشکل جامعه نداریم یا اگر می خواهیم با مسائل روز شوخی کنیم به جای روندها و رفتارها آدم ها و تیپ های اجتماعی را مورد تمسخر قرار می دهیم. همین کمدین های خلاق، اما کم تجربه خندوانه هم، سال ها مخاطب برنامه های تلویزیونی و سریال های ۹۰ قسمتی بوده اند و عجیب نیست برای خنداندن به عمق مسائل نفوذ نکنند و به سطحی ترین چیزها رجوع کنند. اما همه این نکات نباید باعث شود اصل خندوانه را نفی کنیم، برنامه ای که برای نیاز مبرم جامعه به شادی و نشاط سالم تهیه شده است. ای کاش همچنان امضای امثال شهیدی فر و سجاد افشاریان را در این برنامه می دیدیم تا محتوای برنامه دچار چالش های امروزی نمی شد.

واکنش های توئیتری مردم به شوخی های اخیر در «خنداننده شو»

باورمان نمی‌شود!

همزمان با اجرای استندآپ توسط کمدین های برنامه خنداننده شو، توئیت های زیادی درباره این افراد با هشتک #خنداننده_شو توئیت شد. در ادامه تعدادی از آن ها را می خوانید.

سعیده: واقعا یکی قبل از پخش، این ها رو دیده و تایید کرده؟ اون یارو جرئت داره همین ها رو با خانواده خودش ببینه؟

کیوان: باورم نمی شه این آزادی بیان در رسانه ملی. بیداد شوخی های ایهام دار.

هدی: من با خندیدن به هر قیمتی مخالفم. امشب خندوانه مرز و حریم ادب و اخلاق رو شکست. خانم موسوی حرمت زن بودنت رو حفظ می کردی حداقل.

سهراب: خنداننده شویی ها تو خندوانه ترکوندن. مرزهای بی ادبی رو برداشتن.

ساجده: شبکه نسیم داره خط قرمزهای صدا و سیما رو جا به جا می کنه.

بهراد: زینب موسوی، دمت گرم. دختر تو ثابت کردی در عین دختر بودن، می شه مردم رو به خنده وا داشت و هیچ اتفاق بدی هم نمی افته.

مریم: کمدی تو کشور ما از جایی تراژیک می شه که فکر می کنیم برای خندیدن تنها دستاویزمون شوخی های نامناسبه.

جاوید: ما به هرمقوله زشت، بی ادبانه و حال بهم زنی نمی خندیم.

میلاد: شوخی به قیمت زیر پا گذاشتن اخلاق و حیا اون هم در رسانه ملی جمهوری اسلامی جای تأسف داشت!

سرو: شوخی های خنداننده شو یک وجب که هیچ، یک متر بالای خط قرمز صداوسیما بود.

بهزاد: دیده شدن به هر قیمتی! حتی اگر لازم باشه توی چشم میلیون ها نفر و پدر و مادر و برادر و خواهرت زُل بزنی و جوک ۱۸+ بگی! هر چهار نفر خنداننده شو.

عابرپیاده: من خودم طنز نویسم و اصول یک متن طنز رو می دونم. این وقاحت و عریانی متن اسمش طنز نبود.

مهدی: یا من فکر و ذهنم خیلی منحرفه و مشکل دارم یا واقعا خنداننده شو داره بنای استند آپ کمدی هاش رو بر شوخی های ۱۸+ می ذاره.

ورود ممنوع: چقدر بدم اومد از عملکرد رامبد جوان و سکوت بقیه در مواجهه با این شوخی ها.